

یادداشت 

بهارانتان خجسته و خرم باد!

صادق کار



سال سخت و پر فرازپیش و نشیب ۱۳۹۹ تا دو روز دیگر به پایان می رسد و سال و قرن تازه‌ای جای آن را می گیرد. ده‌ها سال است که مردم نتوانسته‌اند نوروز را آنطور که شایسته و بایسته است به جشن و سرور بنشینند. متأسفانه سال به سال هم مشکلات و مصائب متعدد به اندازه‌ای بزرگ و بیشتر شده‌اند، که برگزاری نوروز را همه ساله برای مردم عادی دشوارتر از سال پیش نموده امسال مادر آستانه نوروز مردم ایران از هر لحاظ در بدترین شرایط ۴۳ سال گذشته قرار دارند و به نظر نمی رسد که اگر مردم برای رهایی خود از وضعیتی که دم به دم وخیمتر می شود برنخیزند سال آینده سال کم درد و رنجتری باشد. وضعیت مردم عادی و کشور در طول همین یک سال آنچنان به وخامت گرائیده که برای کمتر کسی قابل پیشبینی بود. اکنون در آستانه نوروز، سایه فقر و بیکاری، گرانی و سرکوب و استبداد، از یک سو و کرونا و تحریم های اقتصادی و فساد و ناکارایی و بی خردی گردانندگان حکومت از سوی دیگر بر سر مردم سنگینی می کند.

میلیونها نفر از مردم عزادار قریب ۱۵۰ هزار نفر از عزیزان خود که در اثر بیماری کرونا کشته شده‌اند هستند و نگرانی از ادامه این اپیدمی که همچنان روزانه بالغ بر ۱۰۰ نفر از مردم را به کام مرگ میکشاند به صورت عمومی درآمده است.

تعطل دولت در تامین واکسن و واکسیناسیون نیز مزید بر علت شده و به ترس و نگرانی مردم از عاقبت کار دامن می زند

هزاران مادر، خواهر، همسر، پدر و فرزند، عزادار عزیزان جان باخته خود توسط حاکمان جنایتکار و نگران سلامتی بستگان اسیر شان در زندانهای رژیم فقاہتی هستند. هزاران مبارز راه آزادی و عدالت اجتماعی در بند اربابان استبداد و بی عدالتی اسیراند



میلیونها انسان فاقد کار و درآمد هستند، دهها هزار کارگر هنوز دستمزدهایشان را نگرفته‌اند، خیابانهای شهرهای بزرگ مملو از کودکان بی‌خانه و بیچاره است. سفرهای میلیونها انسان خالی از طعام است و خرید نان هم قسطی شده است. دستمزد کارگر و حقوق بازنشسته یک چهارم خط فقر است و همین حقوق ناچیز را با تاخیر بسیار پرداخت می‌کنند.

با وجود این مصائب مجال اندکی برای جشن و سرور و تبریک و شادباش نروزی باقی می‌ماند. با این احوال و با این امید که در سال آینده مردم از شر بیماری منحوس کرونا و رژیم جنایتکار و ستمگر جمهوری اسلامی رها شوند، نروزی خجسته زاد روز فرخنده بهار دلکش را به همه زنان و مردان آزاده، به زندانیان سیاسی و مدنی و خانواده هایشان، به مادران جانبختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی، به کارگران و زحمتکشان و فعالین جنبش سندیکایی و کارگری و پرستاران و کادر درمانی که در صف مقدم پیکار علیه کوید ۱۹ فداکارانه می‌رزمند شادباش گفته و برای همگی آنها تندرستی و پیروزی در کار و پیکار آرزو می‌کنیم

بهارانتان خجسته و خرم باد



به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



افول نئولیبرالیسم: نمایشنامه در سه پرده بخش پنجم

فردناندو روگیتسکی



از سرگیری کار در کارخانه های ووهان سه ماه پس از شیوع کرونا

پرده دوم: سیاسی

بحران جهانی، ویژگیهای محلی - ادامه

مشخصاً بخشهای ساختمان، تجارت عمومی و برخی دیگر از بخشهای خدماتی هم نیروهای تازه وارد به بازار کار را جذب کردند و هم کسانی را که پیشتر در مناطق شهری و روستائی با ضیق کار مواجه بودند. ارزیابیهای موجود در باره ساختار طبقاتی در برزیل حاکی از آن اند که در اثر این روند انباشتی، برای نخستین بار در برزیل پرولتاریا از "زیرپرولتاریا"، به عنوان بخشی از نیروی کار، پیشی گرفت. در آغاز دهه دوم قرن حاضر پرولتاریا بیش از ۴۰ درصد، در برابر زیرپرولتاریا با سهمی کمی بیش از ۳۲ درصد، نیروی کار را تشکیل می داد. در حالی که در سال ۲۰۰۲ سهم پرولتاریا و زیرپرولتاریا به ترتیب برابر ۳۲ و ۳۹ درصد بود.

شاید برزیل مورد نمایندگی کننده کل امریکای جنوبی نباشد، اما آشکار شده است که روندها و مشخصه های مشابهی – دست کم در ساختارهای طبقاتی و تولیدی – در آرژانتین، و احتمالاً به درجات کمتری در شیلی نیز بروز یافته اند. الگوی مثلثی در این کشورها تنزل اجتماعی اکثریت بزرگ جامعه را از خود به ارث نگذاشت، بلکه موجب بهبود وضع آن، ولو اندک، شد. در نتیجه گردش به راستی که ما در این کشورها مشاهده کرده ایم، کمتر جنبه شورش علیه نظام مستقر را – چنان که برای کشورهای ثروتمند صادق است – داشته، بلکه کوشش و مقاومتی توسط طبقات حاکم بوده است در برابر فشارهای اجتماعی خواهان مشارکت در قدرت سیاسی و اقتصادی. شاید این نکته توضیح دهد که چرا نیروهای راست منطقه، زیر هدایت ماکری و بولسونارو، با نئولیبرالیسم تبعیت کردند، در حالی که ترامپ، فاراگه (Farage) و ل پن، از آن امتناع می کردند (البته تمایز بین سیاستهای نئولیبرالی با هژمونی نئولیبرال در دولت ترامپ دارای اهمیت بسیار بود، یا دست کم تا قبل از پاندمی چنین بود).



نمونه بولسونارو آشکار می کند که برای توضیح وضع، هم جنبه های محلی و هم جنبه های جهانی باید در نظر گرفته شوند. دینامیسم طبقاتی در سطح محلی کمک می کند که بتوان گرایش او به نئولیبرالیسم و این واقعیت را توضیح داد که چرا او در میان ثروتمندان حامیان انتخاباتی بیشتری داشته است تا در میان تهیدستان. با این حال بحران هژمونی در عرصه جهانی نیز پیامدهای خود را در برزیل داشته است؛ کما این که بازگشت نئولیبرالیسم مورد حمایت طبقات حاکم، نه از طریق انتخاب احزاب سنتی راست میانه – که در دهه های آخر از آن حمایت می کردند، مثلاً از طریق حزب با نام بی مسمای سوسیال دموکرات برزیل - بلکه به طریق دیگری رخ داد. این بازگشت به نئولیبرالیسم توسط یک شخصیت سیاسی حاشیه ای ممکن شد، که صحنه گردانی های نئولیبرالی را با کارگان (رپرتوار)ی مشترک با راست افراطی در حال رشد جهانی ترکیب می کرد. موفقیت انتخاباتی او نه فقط به حمایت طبقات حاکم بلکه همچنین به حمایت قابل توجه طبقات پرشمار وابسته بود. او از جمله محصول ظرفیتی بود که در او برای تحرک بخشیدن به مراکزهای اجتماعی وجود دارد. منظور مرارتی است که در برابر بازتوزیع محدود در دوره قبلی شکل گرفته، در اثر بحران اقتصادی در ابتدای سال ۲۰۱۴ تشدید شده، و در پی اتحاد سایست ریاضتی در دوره دوم ریاست جمهوری دیلما روسف تعمیق یافته بود. ناسازه (پارادوکس) موفقیت انتخاباتی بولسونارو این بود که او قادر شد نارضایتی توده گیر را که اکیداً با نئولیبرالیسم نیز مرتبط بود، کانالیزه کند، این نارضایتی را به فساد نسبت دهد و راه مقابله با آن را از جمله با نئولیبرالیسم بیشتر پیشنهاد کند. بنابراین روشن است که اگرچه مرکز زلزله بحران هژمونیک نئولیبرالیسم کشورهای ثروتمند بودند، اما بحران به دیگر مناطق دنیا نیز رسید. تضعیف دموکراسی در اثر نئولیبرالیسم مرزی نمی شناسد.

"کارگاه" های جهان هنوز باید امتحان پس بدهند. مهمترین آنها هم چین است. وضعیت در این کشورها ناروسن تر به نظر می رسد. از یک طرف پذیرش سیاستهای نئولیبرالی توسط چین به مراتب ناروشن تر از پذیرش این سیاستها در امریکا و اروپاست. از طرف دیگر سیستم سیاسی چین قادر است مقاومت اجتماعی را تحت کنترل بگیرد (الا اعتراضات اخیر در هنگ کنگ را). در سال ۲۰۱۶ میلانوویچ پیش بینی کرد که نابرابری فزاینده در چین "می تواند به تضعیف سیستم سیاسی چین بیانجامد و موجب گذار حاکمیت حزب کمونیست به رژیم ناسیونالیست تر و مستبدتر گردد، یا آن را به سمت دموکراسی سوق دهد." آیا پیامدهای عظیم اقتصادی پاندمی کووید-۱۹، که به سقوط تولید ناخالص داخلی چین در فصل نخست سال ۲۰۲۰ انجامید – رویدادی که دهها سال اتفاق نیافتاده بود – و راهی که حکومت چین برای مقابله با پاندمی برگزید، این گذار را تسریع خواهد کرد؟ پخش گمانه های دایر بر این که ویروس کرونا نقش "لحظه چرنوبیل" چین را بازی خواهد کرد، شروع شده است. اما من تردید دارم که این گمانه ها نمونه دیگری از تحلیلهای استشرافی (orientalism) رسانه های کشورهای ثروتمند نباشند. این که حرکت سیاسی چین به کدام سو خواهد بود، احتمالاً پرپیامدترین پرسش برای آینده سرمایه داری است.

منبع :

ژورنال برزیلی اقتصاد سیاسی، دسامبر ۲۰۲۰

بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



افزایش فشار به زندانیان مقاوم را جدی بگیریم

صادق



فشارهای سرکوبگران حاکم در این اواخر به فعالین سندیکایی، مدنی، سیاسی و اجتماعی به نحو کم سابقه‌ای تشدید شده‌اند. فشار و آزار و اذیت فعالین در حالی تشدید شده‌اند که از یک سو در آستانه نوروز هستیم و از سوی دیگر به زمان انتخابات ریاست جمهوری و شوراها شهر و روستا مدت چندانی باقی نمانده است.

معمولاً در هنگام عید و موسم انتخابات رسم بوده است که اندکی از فشارهای امنیتی به مردم کاسته شود و عده‌ای از زندانیان به مرخصی فرستاده شوند و یا با فرمان‌های ملکونه مورد (عف) قرار گیرند و از زندان مرخص شوند. حتی دادن مرخصی به زندانیان سیاسی هم محدودتر از سالهای گذشته است و مرخصی بعضی از مبارزان سرشناس بیشتر متأثر از فشار اروپا و نهادهای حقوق بشری خارجی و سازمان ملل است و معلوم نیست چه مدتی دوام بیاورد.

اما امسال نه تنها هنوز اثری از این خبرها نیست، بلکه بساط فشار و بگیر و ببند به زندانیان سیاسی و اجتماعی و محسوس‌تر از همه به فعالین سندیکایی افزوده شده است. برای مثال می‌توان به فراخواندن علی نجاتی عضو باز نشسته سندیکای نیشکر هفته برای گذراندن محکومیت ۵ ساله اش که قبلاً عفو هم شده، تبعید تنبیهی زندانیان مقاومتی امثال اسماعیل عبدی سپیده قلیان به زندانهای دیگر اشاره داشت. یا به بازپرسی تعدادی از رهبران کارگران در هفت تپه، به‌احضار و تهدید معاون اتحادیه آزاد کارگران پروین محمدی، احضا دوتن از رهبران سندیکای شرکت واحد، رهبر انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه احضار و هشدار به رهبران چند تشکل مستقل بازنشستگان و همچنین حمله به تجمعات اخیر کارگران قراردادی صنعت نفت و بازنشستگان اشاره داشت. نحوه رفتار با این فعالین نیز خشن‌تر از پیش بوده است.



کانون صنفی فرهنگیان در اعلامیه‌ای که در این هفته منتشر کرد به بخشی از رفتار غیر انسانی ماموران امنیتی با اسماعیل عبدی اشاره کرده است.

به نوشته کانون صنفی معلمان:

ارسال گزارش خلاف واقع درباره عبدی، جابجایی بی‌دلیل، برخوردهای درون زندان، محرومیت از تماس با خانواده، برای اثبات خصومت با عبدی کافی نبود برخورد درجه‌دار نیروی انتظامی و یکی از کارکنان اجرای احکام دادسرای (!؟) عمومی و انقلاب کرج نیز به کلکسیون رفتارهای غیرقانونی و کینه‌توزانه با عبدی اضافه شد. اقداماتی که نه تنها با تمامی موازین حقوقی داخلی بلکه با میثاق‌های بین‌المللی پذیرفته شده در نظام نیز مغایرت دارد.

سپیده قلیان که به زندان بوشهر در فاصله ۶۰۰ کیلومتر با محل زندگی خانواده‌اش فاصله دار تبعید شده است نیز گوشه‌ای از رفتار توهین آمیز و تحقیر کننده ماموران امنیتی با خودش و شکنجه‌های که در این اواخر متحمل شده است گفته است.

در حین انتقال به زندان بوشهر، او را با دستبند و پابند در میدان انقلاب چرخانده و به نمایش گذاشته اند:

سپس دست و پایم را غل و زنجیر کردند و به میان مردم در میدان انقلاب بردند و چرخاندند. مردم با نگاه‌های هاج و واج فکر می‌کردند که این قاتل زنجیره‌ای کیست؟ می‌خواستم داد بزنم من نه امید اسدبیگی هستم و نه کسی که دوبار به هواپیمای اوکراین شلیک کرد! اما طوری میان چنگال‌های مردانه و نگاه‌های حریص‌شان احاطه شده بودم که فریاد در گلویم خفه شد.

سپیده قلیان در ادامه نامه‌اش که بی‌بی‌سی متن آن را منتشر نمود، به فشار شدید ماموران با زندانیان محیط زیست و شکنجه‌هایی که بر آنها اعمال شده پرداخته و نوشته است.

کافی است کمی به آن چه بر سر سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی و دیگر هم‌پرونده‌های هاشان گذشته ببیندیم، تا بدانیم نام آن‌ها مترادف با تبعیض، شکنجه، زندان و قساوت دستگاه قضایی است که هیچ‌بویی از عدالت نبرده.

سپیده قلیان در پایان این نامه با یاد کردن از شکنجه‌ها و رنج‌هایی که بر زنان زندانی و از جمله سپیده کاشانی و نیلوفر بیانی رفته، می‌نویسد:

و حالا من به بندری منتقل شده‌ام که خواهرانم برای حفاظت از حیات طبیعی دریای آن از جان خود گذشتند. اما مزدشان مانند کارگران و دلسوزان هفت تپه، سرکوب، زندان و شکنجه بود... در کشوری که نه تنها زندانی، بلکه زندانبانش هم محکوم است و خودش خبر ندارد.

در مورد سایر زندانیان مقاوم زندانی نیز که اخیراً به زندانهای مختلف تبعید شده‌اند شکنجه‌های مشابه‌ای وارد نموده‌اند.

با این اوصاف این سوال پیش می‌آید که دلیل این همه فشار و ارعاب و شکنجه به فعالین مختلف چیست؟ چرا رژیم جنایتکار این همه دشمنانه و خصمانه با مقاوم‌ترین فعالین سیاسی و مدنی رفتار می‌کند و از زجر کش نمودن و اعدام زندانیان هم خودداری نمی‌کند؟ چرا شمار اعدام زندانیان سیاسی این همه زیاد شده‌اند.



علت این رفتار حکومت و تشدید فشار به مظاهر مقاومت جنبش های مختلف اجتماعی و اکنشی است از طرف حکومت نسبت به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و دیگر گروه های اجتماعی و ترس و وحشت از خطری است که رژیم از جانب این جنبشها احساس می کند. بخصوص اینکه دیگر ترامپ و ترامپیست قدرت دولتی را در امریکا از دست داده اند و رژیم به آسانی گذشته نمی تواند تحركات این جنبش ها را که جهت همگرایی نیز پیدا کرده اند به عامل خارجی نسبت دهد و آن را بهانه سرکوب قرار دهد. در واقع سرکوب عریان و خشن فعالین جنبش های اجتماعی موثر بعنوان یکی از تمعیدات حفظ رژیم در دستگاه دستور کار رژیم قرار گرفته است. سرکوب و خشن تر شدن اشکال آن، می تواند سرآغاز یک طرح جنایتکارانه و انتقام جویانه برای ایجاد رعب به منظور فرونشاندن اعتراضات باشد و تا آنجا پیش برود که جان عزیز مبارزان در بند را دچار مخاطره نماید. این مسئله را ما باید جدی بگیریم و تا دیر نشده برای خنثی کردن آن به فکر چاره های موثر باشیم.

چندان هم توفیر نمی کند که در انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری کدام جناح دست بالا را پیدا کند. کما اینکه افتادن دولت در دست محافظه کاران به اصطلاح اعتدالی و اصلاح طلبان حکومتی در ۸ سال گذشته نتوانسته کوچکترین اصلاح و بهبودی در طرز رفتار حکومت با مردم و زندانیان بوجود آورد و مانع از کشتار وسیع مردم در خیزشهای دی و آبان و افزایش اعدام ها و تعداد زندانیان سی



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



تجمع اعتراضی کارگران پارس متال

کارگران کارخانه پارس متال در ۲۶ اسفند به دلیل پرداخت نشدن مطالبات خود مجبور به تجمع شدند. طبق توافقات قبلی میان کارگران و مدیران کارخانه مطالبات و حق سنوات کارگران قرار شده بود که بصورت چک اقساطی توسط بانک مهر به آنها پرداخت شود اما به رغم مراجعات پیاپی کارگران به بانک و مدیران کارخانه، بانک به بهانه نداشتن ضامن از پرداخت چک های کارگران طفره رفته و عجیب اینکه بانک از کارگران خواسته است برای وصول طلب مزدی پرداخت نشده شان بجای کارفرما خودشان ضامن هم دیگر شوند، تا اگر کارفرما از پرداخت وام بانکی اش خودداری نمود خود کارگران طلب مزدی دریافت شده شان را به بانک برگردانند. آیا این درخواست عجیب نیست؟

ادامه اعتراضات کارگران ابنیه فنی راه آهن

اعتراضات کارگران ابنیه فنی راه آهن در حالی که چند روز بیشتر به عید نمانده همچنان ادامه دارد. در ۲۶ اسفند کارگران ابنیه فنی راه آهن در شهر اراک دوباره به دلیل پرداخت نشدن مطالبات مزدی دو ماه گذشته شان توسط شرکت پیمانکار مجبور به اعتراض دسته جمعی شدند. کارگران می گویند، علاوه بر دستمزدهای دو ماه گذشته مطالبات دیگری هم دارند که به آنها پرداخت نشده اند. پرداخت نشدن حق بیمه، عیدی، بن کارگری، لباس کار، از دیگر مطالبات کارگران هستند. به گفته یکی از کارگران مسئولین دولتی و کارفرما به مطالبات و وضعیت بدی معیشتی کارگران توجهی ندارند و کارگران می کوشند با اعتصاب و اعتراض حق خود را بگیرند.

همچنی شورای هماهنگی کارگران و کارکنان ابنیه فنی به گزارش کانال تلگرامی کارگران ابنیه فنی در ۲۷ اسفند یک روز با کارفرما فرصت داده تا بدهی خود به کارگران را تسویه کند. کارگران تهدید کرده اند که اگر خواسته هایشان عملی نشود اعتصاب خواهند کرد و مسیر قطارها را مسدود می کنند



ادامه اعتراضات خیابانی بازنشستگان

اعتراضات بازنشستگان به حقوق و مستمری های زیر خط فقر در این هفته نیز ادامه پیدا کرد. در ۲۴ اسفند بار دیگر به دعوت تشکلهای مستقل بازنشستگان، در بیش از ۱۰ شهر بازنشستگان به همراه شمار زیادی از کارگران، معلمان و فعالین تشکلهای مستقل سندیکایی به خیابان آمدند و بر ادامه مبارزات خود تا رسیدن به مطالبات شان که افزایش حقوق به اندازه هزینه های واقعی زندگی و بیمه رایگان و موثر در راس آنها قرار دارند تاکید نمایند.

بازنشستگان خوزستانی در تجمع مشابهی تهدید کردند که اگر سالاری مدیرکل تامین اجتماعی به مطالبات بازنشستگان پاسخ مثبت ندهد از سراسر خوزستان به تهران می روند تا سالاری را از پنجره ساختمان تامین اجتماعی به بیرون پرت کنند.

ایلنا به نقل از یکی از مسئولین تشکل های مستقل بازنشستگان خوزستانی نوشت: "اتوبوس می گیریم از تمام استان ها می رویم تهران رئیس سازمان تامین اجتماعی را از پنجره اطاقش پرت می کنیم پایین.

بعد از اون میریم سراغ آقای نوبخت اونو تیکه تیکه می کنیم.

صدا و سیما هم حواسش را جمع کند اخبار یک طرفه و دروغ به ضرر بازنشسته ها و به نفع دولت منتشر نکنه."

این بیانیه کوتاه حاکی از خشم و نفرت انباشته شده و در حال انفجاری است که این تشکل بازنشستگان و اعضای آن نسبت به وضعیت بد معیشتی بازنشستگان دارند.

با این همه تشکلهای مستقل لازم است برای بیان نارضایتی خود از الفاظ مناسبتری استفاده کنند تا برای فشار به خود آنها از طرف نیروهای سرکوب و تشکلهای وابسته به حکومت که چشم دیدن تشکلهای

مستقل را ندارند مورد استفاده قرار نگیرد.

تجمع اعتراضی کارگران آب و فاضل آب اهواز (آبفا)

کارگران آب و فاضلاب اهواز در ۲۳ اسفند در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی چند ماه گذشته شان و یک رشته مطالبات صنفی دیگر در این شهر تجمع و خواهان پرداخت مطالبات خود شدند. به گفته یکی از کارگران معترض همه کارگران آب و فاضل آب که برای شرکتهای پیمانکاری کار می کنند وضعیت مشابهی دارند. بیرحمی و بیشرمی صاحبان شرکتهای پیمانکاری واقعا حدی نمی شناسد.

آنها حتی در شب عید هم حاضرند برای سود بیشتر و افزایش فشار کارگران و خانواده ها ایشان را گرسنه و بی پول بگذارند. از آنها بدتر اما سکوت تائید آمیز نهادهای دولتی و حکومتی در برابر این ستمگری است که کارفرمایان نسبت به کارگران روا می دارند. و این هیچ دلیلی جز اینکه صاحبان این شرکتهای از منسوبین حکومت هستند که با آنها دست شان در یک کاسه است نمی تواند داشته باشد.



تجمع کارگران شرکتی و حجمی برق سراسری مقابل مجلس

کارگران شرکتی و حجمی شرکت برق در ۲۶ اسفند در اعتراض به قراردادهای کاری شان و با خواست تبدیل قراردادها به رسمی تجمع کردند. به گفته یکی از کارگران قراردادهای موجود باعث کاهش دستمزد آنها به یک سوم دستمزد کارگران دارای قرارداد رسمی شده است. بهمین جهت آنها خواستار تبدیل قراردادهای کنونی خود و بهرمنند شدن از دستمزد و حقوقی هستند که به کارگران رسمی تعلق می گیرد. گفتنی است که کار و ساعات کار کارگران غیر رسمی و رسمی به یک اندازه و کیفیت آن نیز مشابه است اما بین دستمزد و مزایای رسمی ها و غیر رسمی ها تفاوت فاحش وجود دارد این تبعیضات در شرایطی از طریق قراردادهای متعدد غیر رسمی به اکثریت کارگران تحمیل می شود که اکثر کارگران قراردادی در مشاغلی قرار دارند که ماهیت مستمر دارند و به تبع آن باید آنها بصورت رسمی استخدام شوند و از دستمزد و حقوق کامل برخوردار باشند. کارفرمایان و دولت در واقع با ابداع قراردادهای موقت رنگا رنگ تنها بواسطه وجود این قراردادها سالانه هزاران میلیارد سود اضافی به جیب می زنند

ادامه اعتراضات کارگران در پارس جنوبی به رغم تهدید آنها به اخراج

کارگران پارس جنوبی بار دیگر در ۲۶ اسفند در اعتراض به خودداری کارفرمایان از اجرای طبقه بندی مشاغل و یک رشته مطالبات صنفی دیگر، مانند شرایط کار شیفی و ساعات کار اضافی، اجرا نشدن پروتکل های کرونایی تجمع و خواستار انجام آنها شدند. کارگران که از وزیر و مدیران شرکت نفت به خاطر طفره رفتن کارفرمایان از اجرای طبقه بندی مشاغل با گذشت یک سال از دستور اجرای طبقه بندی توسط زنگنه، خشمگین بودند در تجمع شان علیه زنگنه نیز شعار دادند.

شایان ذکر است که در آغاز سال گذشته به دنبال اعتراضات گسترده کارگران شرکت های پیمانکاری فعال در بخش نفت و پتروشیمی زنگنه دستور اجرای طبقه بندی مشاغل و اجرای قانون کار را به صاحبان این شرکتها ابلاغ کرد. دستور وزیر نفت کم و بیش و تا حدودی نه چندان که کارگران انتظار آن را داشتند در بعضی از شرکتها اجرا شد، ولی تعدادی از شرکتها تا کنون از اجرای آن امتناع کرده اند. کارفرمایان این دسته از شرکتها کارگران را تهدید به تمدید نکردن قراردادهای شان در سال آینده در صورت ادامه خواسته هایشان نموده اند. این در حالی است که زنگنه و دیگر مسئولین دولتی ذیربط نیز از وادار کردن کارفرمایان به اجرای دستور خودشان طفره می روند و دست کارفرمایان را برای تهدید کارگران باز گذاشته اند

اعتصاب کارگران شهرداری در بهبهان

کارگران شهرداری بهبهان نیز که در اثر پرداخت نشدن مطالبات مزدی اشان و تنگدستی و وضعیت وخیم معیشتی شان به تنگ آمده اند، در ۲۶ اسفند پس از آنکه موفق به گرفتن مطالبات مزدی شان ازرق دیگر نشدند، اعتصاب نموده و تجمع اعتراضی بر پا کردند.

تجمع کارگران کارخانه مایع در تبریز بخاطر اعتراض به تعطیل کردن کارخانه کارخا

کارگران کارخانه مایع تبریز که گفته می شود صاحب آن ساکن ترکیه است و بوسیله مدیران کارخانه اداره می شود، در ۲۳ اسفند در اعتراض به تعطیلی کارخانه تجمع کردند. به گفته کارگران کارخانه مایع هیچ مشکل نداشته و



ندارد و از علت تعطیل کارخانه سر در نمی آورند. مدیر کارخانه مدتی پیش ۴۰ کارگر را اخراج نمود و حالا عملاً با بستن ناگهانی کارخانه ۱۱۰ نفر دیگر کارگران را نیز بیکار نموده است.

در شهر فسا نیز کارگران کارخانه قند که ۴ سال پیش تعطیل و هنوز کارگران آن موفق به یافتن کار نشده‌اند در تجمع مشابه‌ای خواستار باز شدن کارخانه شدند

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی‌دستان و آسیب‌دگان کرونا را

تامین کند!